

# تمدنی که اسلام به وجود آورد!

شاهکار مسلمانها ، تنها در کشور گشائی وسط نفوذ و فرمانروائی برین بیشتر سرزمینهای آباد آنروز نبوده زیرا جهان فاجان و کشور گشایان زیادی از قبیل مغولها ، بربرها اسکندرها ، نبوکدهاور... بخود دیده که روح توسعه طلبی و خودکامگی ، آنان را وادار به تجاوز بدخاک و اراضی دیگران ساخته ، چندصاحبی حکومت خود را بزور ؛ بر آنک تحمیل کردند ولی هنگامیکه آنها از آسیب افتاد و شترانه حکومت آنان ، ازهم پاشید ، جز خرابی و قتل و بدبختی عمومی از آنها به یادگار نماند !!

بلکه شاهکار مسلمین در اینست که ؛ جنبش و تحولی در جهان پدید آوردند تمدن طلبی با شکوهی را بنا نهادند که قرنها بشریت از قبض وجود آن ، بیرونند بود ، یکی از حلقه های درخشان تمدن بشر بشمار میرود و تاریخ تمدن ، به وجود آن ، افتخار میکند .

مسلمین ، در طول چند قرن ، آنچنان در علوم ، صنایع ، فلسفه ، حقوق ، اخلاق ، اقتصاد ، سیاست ، و نظامات اجتماعی پیشرفت نمودند که به اقرار دانشمندان غربی از همه جلوتر افتادند و حتی تمدن کنونی اروپا و غرب ، بیش از هر چیز دیگر از آن مایه گرفته است و گوستاولوبون ، فرانسوی میگوید ؛ تمدن پادشاهسال ، مدارس اروپا رونق گشت و مصنفات مسلمین ، دائر بود و همانها بودند که اروپا را از لحاظ علم و عمل و اخلاق ، تربیت کردند و داخل در طریق تمدن نمودند ، موافقتی که به تحقیقات علمی و اکتشافات فنی آنان ، نظر میکنیم می بینم ؛ هیچ ملتی نیست که در این مدت کم ، بیشتر از آنها ترقی کرده باشد... بعضی ها عاقد دارند که اقرار کنند ؛ یک قوم کافر و ملحدی (مسلمانان) سبب شد اروپای مسیحی ، از حال توحش و جهالت خارج گردد و لذا آنرا منکوم نگاه میدارند ، ولی این نظر بد رجعتی می اسار و تأسف آور است که به آسانی میتوان آنرا رد نمود...

نفوذ اخلاقی همین اعراب زائیده اسلام ، آن اقوام وحشی اروپا را که ساطنت درومد ازیر

وزیر نمودند ، داخل در طریق آدمیت نمودند نیز نفوذ فکری و عقلانی آنان ، دروازه علوم فنون و فلسفه را که اذن ، بکلی می خیر برودند بروی آنها باز کرده و ناشصده سال ، استنادما ( اروپائیان ) بیرونده (۱)

« دکتر ماکس میرهوف » درباره عظمت تمدن اسلامی مینویسد ؛ « ذخائر علم و دانش ملل اسلامی ، اکنون رفته رفته آشکار می گردد و مورد استفاده عموم قرار میگردد... البته در این چندسال اخیر ، آنچه کشف شده ، روشنائی جدیدی بر تاریخ علوم دنیای اسلامی افکنده است ولی مسلماً این کشفیات ، عنود کالی نیست و دنیا در آینده بیشتر به اهمیت علوم اسلامی ، پی خواهد برد... »

و در جای دیگر مینویسد ؛ « در جنگهای صلیبی ، مسلمین به پزشکان اروپائی میخندیدند زیرا معلومات آنها بسیار ابتدائی و پست میدانستند... »

خلاصه به این وسیله ( ترجمه کتب دانشمندان اسلامی ) علوم شرق مانند باران رحمت بر خاک خشک اروپا باریده آنرا حاصلخیز ساخت ، کم کم اروپائیان ، با علوم شرق آشنا شده کتابهای درجراحی ، امراض زمانه و ناخوشیهای چشم نوشتند... »

همین نویسنده مزبور در آخر بحث خود عبادت زیر را درباره نقش تمدن اسلامی اضافه میکند ؛ « اکنون نظری به گذشته می افکنیم و می بینیم که علوم طبیعی و طب ملل اسلامی تا پیش آفتاب یونان را منعکس ساخته و هنگامیکه روز یونان به پایان رسید علوم عرب (مسلمانان) مانع از انقراض تابانی تاریکترین شبهای اروپای قرون وسطی را نمود ساخت و چون علوم جدید ظاهر گشت ، ما را روشن شد ، ولی همان ماه بود که ما را در شبهای تاریک هدایت کرد تا به اینجا رسانید و میتوانیم بگوئیم که هنوز تا پیش آن ، با ما است (۲)

## اعتراف دیگر

« ویل دورانت » در جلد یازدهم تاریخ تمدن خود ، مینویسد ؛ « پیدایش واضمحلال تمدن اسلامی از حوادث بزرگ تاریخ است . »

اسلام ، طریقت قرن از سال ( ۸۱ تا ۵۹۷ م ) تا ۷۰۰ تا ۱۲۰۰ م ) از لحاظ نیرو و نظم و بسط قلمرو و اخلاق یک و تکامل سطح زندگی و توانمندی منصفانه انسانی و تساهل دینی و ادبیات

(۱) تاریخ تمدن اسلام و عرب ۴-۷۵۱-۷۵۴

(۲) میراث اسلام ص ۱۰۱-۱۲۲-۱۳۴

و تحقیق علمی و علوم و طب و فلسفه پیشاهنگ جهان بود...

دنیای اسلام، در جهان مسیحی نفوذهای گوناگون داشت، اروپا از دیار اسلام، غذاها و شربت‌ها و داروها و درمان و اسلحه و نشانه‌های خانوادگی، سلیقه و ذوق هنری، ابزار و رسوم صنعت و تجارت، قوانین و رسوم دربانوردی را فراگرفت و غالباً لغات آنرا نیز از مسلمانان اقتباس کرد...

علمای عرب (مسلمان) ریاضیات و طبیعیات و شیمی و هندس و طب یونان را حفظ کردند و به کمال رسانیدند و میراث یونان را که بسیار غنی تر شده بود، به اروپا انتقال دادند، هنوز هم اصطلاحات علمی عربی در زبانهای اروپائی فراوان است.

طبیعیات عرب (مسلمان) پانصدسال تمام، علمدار طب جهان بودند، فیلسوفان عرب (مسلمان) مؤلفات ارسطو را برای اروپای مسیحی حفظ کردند. ابن سینا و ابن رشد، از مشرق بر فلسفه کلاسیک اروپا پرتو افکندند و صلاحیتشان چون یونانیان مورد اعتماد بود...

معماری اروپائی، تجدید رونق سفالکاری هنری در ایتالیا و فرانسه، آهنگری و شیشه‌گری و نیز، جلدسازی ایتالیا و زده بافی و اسلحه‌سازی اسپانیا، همه از صنعت گران مسلمان، الهام گرفته است.

تقریباً در همه مناطق اروپا بافندگان دیوار اسلام توجه داشتند که از آنجا نمونه‌ها بگیریند این نفوذ از راه بازرگانی و جنگ‌های صلیبی و ترجمه‌های از کتاب از عربی به لاتین و مسافرت‌های دانشورانی از قبیل کربنر، و همایکل اسکات و هادلارد باشی، به اندلس اسلامی انجام گرفت...

تنها به دورانه‌های طلائی تاریخ، یک جامعه دست‌نواسته است در مدتی کوتاه، این همه مردان معروف در زمینه سیاست و تعلیم و ادبیات و لغت و جغرافیا و تاریخ و ریاضیات و هبست و شیمی و فلسفه و طب و مانند آنها که در چهار قرن اسلام از هارون الرشید تا ابن رشد بوده‌اند بوجود آورد، قسمتی از این فعالیت درخشان، از آثار یونان مابیه گرفت اما قسمت اعظم آن مخصوص در سیاست و شعر و هنر ابتکارات گرانها بوده (۱)

(۱) تاریخ تمدن و بیل دوران ج ۱۱ ص ۲۰۷-۲۲۲